

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Children

کودکان

افسانه وحدت

۰۵ جون ۲۰۱۳

کودکی ما را به ما بر گردانید!

به مناسبت ۲۲ خرداد [جوزا] روز جهانی مبارزه با کار کودکان

سازمان بهزیستی با وقاحت کودک کار را اینطور تعریف کرده است.

"کودکان خیابانی به افراد زیر ۱۸ سال (اعم از دختر و پسر) اطلاق می گردد که در شهرهای بزرگ برای ادامه بقاء خود مجبور به کار یا زندگی در خیابان هستند".

من به این تعریف اضافه می کنم: کودکی که جمهوری اسلامی او را کودک خیابانی و کودک کار تعریف می کند، کودکی است که از هستی ساقط شده است، زندگیش تأمین نمی شود، اغلب سرپرست مناسب ندارد. پدر یا مادرش یا بیکار هستند یا معتاد و یا فرزندان کارگرانی هستند که ماه ها است دستمزدشان پرداخت نشده است و مجبوراند جگر گوشه هایشان را به کار بفروشند تا کمک خرج آنها شود. و یا کودکان خانواده هایی هستند که زیر خط فقر نگاه داشته شده اند و دیگر نمی توانند فرزندانشان را تأمین کنند و سرپرست خوبی برای آنها باشند. کودکانی هستند که جمهوری اسلامی آنها را بی هویت می خواند، چرا که حاصل صیغه هایی هستند که توسط از جمله سران این حکومت و اراندل و اوباش دور و برشان تبلیغ و اجرا می شود. این کودکان به دلیل این که پدر مشخصی ندارند، از نظر این حکومت هویتی ندارند و با آنها مثل احشام رفتار می شود. این کودکان در خیابانها ویلان می شوند، یا چیزی می فروشند، گدائی می کنند و یا به دام باندهای تبهکار می افتند و مورد انواع سوء استفاده ها و جرائم قرار می گیرند. کودک خیابانی و کودک کار لقبی است که جمهوری اسلامی به میلیونها کودک اطلاق می کند که از چرخه تحصیل باز مانده اند و به انحاء مختلف مجبور به کار هستند.

کودک خیابانی و کار، کودکی است که کودکی اش از او گرفته شده است، امنیتی ندارد، رشدش مختل شده است. آینده اش کاملاً نامعلوم است یعنی آینده اش را از دست داده است. بیسواد است یا سواد کمی دارد. کودکی است که تحت نامناسب ترین شرایط به سخت ترین کارها گمارده شده است. کودکی که بدن کوچک و در حال رشدش به انحاء مختلف در اثر کار آسیب می بیند و از رشد طبیعی باز می ماند. کودکی که لیست آرزوهایش صفر است. در زندگی اش جشن تولد و نوروز وجود ندارد. شادی نوروز مال او نیست و لباس نوی در کار نیست. تعطیلات تابستان مفهومی در زندگی اش ندارد. هر کسی از راه برسد می تواند هر بلائی می خواهد سرش بیاورد. کودک کار در جمهوری اسلامی کودکی

است که حتی گاهی قبل از تولد صاحب کاران آنها را پیش خرید می‌کنند تا بلکه از سنین هر چه پائینتر شروع به کار کنند. تا بتوانند از نیروی کار آنها حد اکثر استفاده را بکنند.

کودکی که اسمش را کودک کار یا کودک خیابانی گذاشته اند، کودکی است که به جای بودن در مدرسه، برخورداری از آموزش و ساختن آینده اش، در خیابان ویلان است تا لقمه نانی به دست آورد و امروز را به فردا بدوزد. کودکی است که مثل بچه‌های دیگر نیست. بازی در زندگیش وجود ندارد، شادی بسیار کم رنگ است. حتی یک اسباب بازی شاید در طول زندگی اش نبیند. بدنش نحیف است. وزنش کم است. قدش رشد کافی نمی‌کند. رشد کافی را عدم تغذیه و کار زیاد از او گرفته است. راحت مریض می‌شود. به بیماریهای مزمن و گاهی لاعلاج مبتلا است. از بیماری پوستی، ایدز، هپاتیت، بیماری‌های عفونی و... گرفته تا افسردگی، ناراحتی‌های روانی و غیره مبتلاست. فشار جسمی که در اثر کار سخت، سنگین و طولانی که با جسم کودک خوانائی ندارد به او وارد می‌شود، به او آسیب جدی می‌زند، کار سخت مانع رشد استخوان ها و مفاصل او میشود به ستون فقرات او صدمه می‌زند و باعث بروز ناتوانی های مادام العمر در این کودکان می‌شود. به این ترتیب سلامت یک نسل با خطر جدی روبه رو می‌شود.

کودکانی که بهزبستی آنها را تعریف کرده، در دیاری زندگی می‌کنند که بر روی دریای بیکرانی از ثروت قرار دارد. ثروتی که اگر به جیب آیت الله‌ها و سران سرکوبگر و دزدش نمی‌رفت کودک گرسنه‌ای وجود نداشت. اگر این ثروت در خدمت رفاه جامعه و مردم قرار می‌گرفت وازهائی مثل کودک کار، خیابانی، زباله گرد، بی‌هویت، مهاجر، صیغئی و... وجود نداشت. آنوقت کودکان قرب و منزلت داشتند. شاد بودند رفاه داشتند، مقدم بر همه چیز در جامعه رسمیت داشتند. آنوقت گواهی بر پیشرفت جامعه بودند. آنوقت جامعه هم شاد بود. همه احساس خوشبختی می‌کردند. آینده جامعه ای که شهروندان آن شاد و مرفه هستند، هم معلوم است.

سران این حکومت و نهادهای بیکاره و سودجویی که از اموال همین کارگران و زحمتکشان استفاده می‌کنند و ثروتهای کلان به جیب می‌زنند، ادای نهادهای حقوق بشری را در می‌آورند و کودک خیابانی و کودک کار تعریف می‌کنند. می‌خواهند وانمود کنند که آنها نیستند که کودک را به این روز انداخته اند. که این ۷ میلیون کودک که به مدرسه نمی‌روند از آسمان افتاده اند یا از زمین سبز شده اند. کودک را اسم گذاری می‌کنند آن را تعریف می‌کنند ولی از راه حل خبری نیست.

۱۲ جون روز جهانی مبارزه علیه «کار کودک» فرصتی است که به وضعیت اسفناک کودکان در ایران بیندیشیم، علیه یک حکومت کودک ستیز خود را متشکل کنیم تا بتوانیم تغییر ایجاد کنیم. کار کودک را تهدید جدی برای رشد و شکوفائی دنیای آینده بدانیم و در پی محو کامل آن باشیم.

مسئول بی‌آیندگی کودکان دولت اسلامی است. مسئول فقر و سیاه روزی کودکان دولت است. دولت است که کودکی کودکان را از آنها گرفته و زندگی را به کابوسی برای میلیون‌ها کودک تبدیل کرده است. کار کودک قرون وسطائی است، مردود است و به این دوران تعلق ندارد. نه تنها باید مطلقاً ممنوع شود، بلکه باید جرم جنائی به حساب بیاید. کار کودک ثروت بیکرانی را به جیب مسئولین و سرمایه داران می‌ریزد.

یک زندگی با منزلت و آینده درخشان حق همه کودکان است. این حق را باید گرفت. به راحتی نمی‌شود با زور باید گرفت. قوت ما در تشکل ماست و این که به میلیون‌ها تبدیل شویم. از همین امروز باید شروع کرد و تشکلها را به وجود آورد. بازگرداندن حقوق کودکان به عهده ما بزرگسالان است.

نشریه کودکان مقدمند، شماره ۱۰۴ - خرداد ماه [جوزا] ۱۳۹۲